خبر کوتاه

چون زیاد جام گرفتی تخفیف بده!

فرهاد اشراقی

عده‌ای می‌گویند برانکو «باید» به پرسپولیس تخفیف بدهد و شرایط این باشگاه را درک کند. اینکه برانکو باید شرایط را درک کند درست، ولی هیچ «بایدی» وجود ندارد. برانکو آمده اینجا کار کرده، پرسپولیس را قهرمان کرده و رفته. تمام پاداش‌ها و آپشن‌ها و... هم روی کاغذ آمده و چیزی نیست که برانکو از خودش درآورده باشد، پس هیچ الزامی نیست که او حتماً تخفیف بدهد. کسانی که می‌گویند برانکو «باید» تخفیف بدهد، اگر خودشان جای او بودند قطعاً تخفیف نمی‌دادند. عین این می‌ماند که یک کارگر یا کارمند چند سال جایی کار کند و موقع تسویه‌حساب به او بگویند تخفیف بده! چنین تقاضاهایی فقط در ایران است وگرنه در فوتبال حرفه‌ای هیچ وقت کار به اینجا نمی‌کشد که التماس طرف را بکنند که بیا و تخفیف بده! مورد دیگر اینکه اگر قرار بود تخفیف گرفته شود وقتی برانکو در ایران بود باید چنین اتفاقی می‌افتاد نه حالا.

وضعیت استقلال حتی بدتر از پرسپولیس است. برانکو حداقل چند سال اینجا بود و چند جام گرفت و حالا تخفیف نمی‌دهد، اما شفر که فصل را تمام نکرد و استراماچونی که فقط ۱۳، ۱۴ هفته اینجا بود، کلی از استقلال پول می‌خواهند و، چون قراردادها طوری نوشته شده که کاملاً به نفع خارجی‌هاست، استقلال باید تا دلار آخر پول آن‌ها را بدهد. داستان همان داستان قدیمی است که مدیران ما با دیدن خارجی‌ها جوگیر می‌شوند و، چون نمی‌خواهند از جیب مبارک پول بدهند، راحت صفرها را جلوی مبلغ قرارداد طرف حراج می‌کنند. بودیمیر در پرسپولیس قرارداد ۴۵۰ هزار یورویی داشت، ولی از پرسپولیس که به تیم لوکوموتیو پیوست قرارداد ۲۲ هزار دلاری بست! حالا خودتان ببینید مدیران صددرصد دولتی فوتبال ما چه آشی برای باشگاه‌های بخت‌برگشته پخته‌اند.

نیمکت استقلال در ۹۸؛ محله برو و بیا!

- استقلال سال ۹۸ در کادرفنی پرفراز و نشیب ظاهر شد. آبی‌ها که فصل پیش با شفر یکی از مدعیان کسب جام بودند، در فاصله چند هفته به پایان مسابقات شانس قهرمانی را از دست دادند. شاید همه چیز از دربی ۸۹ آغاز شد؛ ضربه چیپ اسماعیلی به قلب شفر و گل ۳ امتیازی نوراللهی روی ضعف همیشگی دروازه‌بان شماره یک آبی‌ها در خروج از دروازه باعث شد استقلال بازی ۶ امتیازی را به رقیب دیرینه و مدعی عنوان قهرمانی واگذار کند.

استقلال روی کاغذ همچنان شانس داشت. آنها سپاهان را در یک بازی زیبا و پربرخورد در اصفهان با گل دقیقه ۹۷ پاتوسی شکست دادند تا باز هم جز مدعیان قهرمانی باقی بمانند اما تلخ‌ترین روز آبی‌ها ۸ اردیبهشت ۹۸ بود که استقلال در مشهد با گلزنی مهاجم سابق خود، بازی را به پدیده واگذار کرد تا عملا قهرمانی را از دست داده باشد. دقیقا در همین روز بود که حکم اخراج مربی آلمانی استقلال امضا شد.

بعد از اخراج شفر دستیار اول او که محبوبیت ویژه‌ای روی سکوها داشت، سرمربی موقت استقلال شد. فرهاد مجیدی بعد از شفر، ۸ بار روی نیمکت استقلال نشست که نتیجه آن ۵ پیروزی و ۳ تساوی بود. استقلال با مجیدی لیگ را در رتبه سوم جدول تمام کرد و در لیگ قهرمانان آسیا موفق به صعود از گروه خود نشد.

بعد از اتمام لیگ، زمانی که همه منتظر بودند مجیدی برای یک فصل دیگر روی نیمکت استقلال بنشیند روز ۲۳ خرداد آندرآ استراماچونی پس از کش‌وقوس‌های فراوان سرمربی استقلال شد. این مربی ایتالیایی که از همان روز اول حضورش در تمرینات خیلی جدی و مصمم به نظر می‌آمد، لیگ را خوب آغاز نکرد، اما رفته‌رفته روند صعودی استقلال قابل مشاهده بود تا جایی که استراماچونی این تیم را پس از سال‌ها به صدر جدول رقابت‌ها رساند و یک مدعی ساخت که فراتر از فوتبال ایران در زمین، تاکتیک‌های کادرفنی را پیاده می‌کند.

استقلالی‌ها که از فوتبال زیبا و صدرنشینی خود، سرازپا نمی‌شناختند، ناگهان با یک خبر شوکه‌کننده مواجه شدند. ۱۸ آذر ۹۸ استراماچونی به دلیل اختلافاتی که با مدیریت باشگاه داشت، تهران را ترک کرد تا شوک جدیدی به هواداران استقلال وارد شود.

بعد از رفتن استراماچونی از استقلال، جواد زرینچه، ووریا غفوری کاپیتان این تیم، بهزاد غلامپور و دکتر ستوده سکان هدایت تیم را به صورت موقت برعهده گرفتند تا تکلیف حضور استراماچونی در استقلال روشن شود. شاید هواداران این تیم آن روزهای تلخ را هیچ‌گاه فراموش نکنند؛ روزهایی که روی نیمکت این تیم ۳، ۴ نفر بیشتر حضور نداشتند.

بعد از قطعی شدن جدایی استراماچونی از استقلال، فرهاد مجیدی بر خلاف میل باطنی هواداران، سرمربی تیم شد. فرهاد با استقلال تا به اینجای فصل نتایج بدی نگرفته و تقریبا سر و سامانی به کمپ آبی‌ها داده اما اینکه فرهاد تا پایان فصل چه نتایجی می‌گیرد، معمایی است که حل آن تا انتهای رقابت‌ها ادامه دارد. باید دید چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و اینکه این مربی برای فصل بعد هم در جمع آبی‌پوشان می‌ماند یا باز هم تغییرات جدیدی در راه است. در مجموع می‌توان گفت؛ استقلال در سال ۹۸ می‌توانست با شفر لیگ برتر را فتح کند، اما ضربه بد موقع اسماعیلی و شکست مقابل پدیده، این تیم را از جام دور کرد. آنها با استراماچونی پرفراز و نشیب بودند، اما بالاخره بعد از سال‌ها به صدر رسیدند؛ هرچند با استرا هم به بن‌بست برخوردند تا حالا نوبت به مجیدی برسد.

حالا مجیدی مانده و میراث استراماچونی که باید از آن حفاظت کند. فرهاد یک تیم خوب با بازیکنان آماده و شرایط رسیدن به قهرمانی یا سهمیه آسیا را تحویل گرفت و باید با شروع دوباره فصل، در انتظار درخشش آنها باشیم مگر آن که سال جدید باز هم داستان‌های جدیدی در دل خود داشته باشد.

عملیات فریب

حسین قهار

نامه‌های تند، تهدیدآمیز و کنایه‌دار فیفا به ایران، یکی پس از دیگری در رسانه‌ها منتشر می‌شوند. هر خبری که از ساختار و سیاست‌های مدیریتی فدراسیون فوتبال در رسانه و فضای مجازی با آن روبه‌رو می‌شویم حکم افشاگری دارد. هیچ چیز سر جای خودش نیست و اصول یک واژه گمشده در تشکیلات است. در اتفاقی حیرت انگیز یک جریان خاص در داخل مجموعه با رسانه‌ای کردن نامه‌های فیفا و مکاتبات فدراسیون با این نهاد به دنبال اهدافی خاص و مشکوک است. البته باید این سؤال بزرگ را هم مطرح کرد که چرا سیستم رسانه‌ای فدراسیون در سایت رسمی این مجموعه اقدام به اطلاع رسانی و شفاف سازی درست درباره اتفاقات اخیر و مکاتبات با فیفا نکرده است؟ باید مشخص شود پشت پرده این سکوت و بی‌توجهی به خروج نامه‌ها از ساختمان فدراسیون و سر در آوردن آنها در رسانه‌ها چیست؟

در هفته گذشته، متن و تصویر دو نامه تند فیفا به ایران در شرایطی رسانه‌ای شد که حالا شنیده می‌شود فیفا در آخرین اخطارش حجت را بر مسئولان فوتبال ایران تمام کرده است. آنها ضمن بی‌توجهی به درخواست مدیران ایرانی برای برگزاری جلسه اضطراری و صدور مجوز برگزاری انتخابات، روی مواضع خود در دو نامه قبلی پافشاری کرده‌اند: انتخابات باید لغو شود؛ اساسنامه باید اصلاح شود و اصلاحات به تأیید فیفا برسد و منطبق بر منشور المپیک و اساسنامه فدراسیون جهانی باشد.

با این سختگیری فیفا و شیوع کرونا در ایران باید انتخابات فدراسیون فوتبال را لغو شده بدانیم اما چه اتفاقاتی در این سال‌ها رخ داد که کار به اینجا کشیده شد؟ چه مسائلی تا به این اندازه فیفا را نسبت به اتفاقات فوتبال ایران حساس کرد؟ بررسی این ابهامات بزرگ جواب تمام این سؤالات را برای جامعه فوتبال روشن می‌کند.

تخلف بزرگ در ثبت فدراسیون

بعد از انتخابات فدراسیون در اردیبهشت ۱۳۹۵، مدیریت فوتبال کشور تصمیم گرفت تشکیلات مجموعه را به عنوان یک شرکت خصوصی به ثبت برساند. ابهام اول درباره تاریخ تأسیس بود. اتفاق غیرقابل باور البته این بود که نام محمود شیعی و محمود اسلامیان که از مجمع فدراسیون برای عضویت در هیأت رئیسه رأی اعتماد گرفته بودند در اداره ثبت قرار نگرفت و به جای آنها دو فرد ناشناس به نام‌های میرحسین پرویزی چری و رهام کیانی نامشان در بین اعضای هیأت مؤسس ثبت شد. این موضوع عملا دور زدن قانون تجارت و یک تخلف بسیار بزرگ به حساب می‌آمد چون مجمع شیعی و اسلامیان را به عنوان عضو هیأت رئیسه انتخاب کرد و نباید نام دو نفر دیگر در ثبت شرکت‌ها ثبت می‌شد. فدراسیون همان زمان در اطلاعیه‌ای تأکید کرد: «در خصوص اعضای هیأت موسسین نیز ترکیبی از اعضای هیأت رئیسه فدراسیون و دو نفر از مسئولان مالی وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون فوتبال تعیین و ثبت شده است.» منتهی همان موقع در رسانه‌ها اخباری به صورت رسمی منتشر شد مبنی بر اینکه بدهی مالیاتی باعث شد نام محمود اسلامیان و محمود شیعی در اداره ثبت قرار نگیرد و دو نفر جایگزین آنها شوند که این اتفاق همانطور که اشاره شد خلاف قوانین بود چون نام دو نفر دیگر را به عنوان هیأت مؤسس در سازمان ثبت شرکت‌ها ثبت کردند اما دو نفر دیگر در این سال‌ها کارها را انجام دادند. به این ترتیب از منظر قانونی این ابهام بزرگ در فعالیت‌های فدراسیون در سال‌های اخیر قابل بررسی است و اعضای مجمع هم اگر مصلحت اندیش نباشند می‌توانند نسبت به این ابهام بزرگ شکایت قانونی داشته باشند. هرگونه تصمیم‌گیری درباره جایگزین کردن دو فرد جدید به جای دو عضو هیأت رئیسه دارای پرونده مالیاتی باید توسط مجمع انجام می‌شد.

نسخه فارسی و انگلیسی اساسنامه ایران ناسازگاری دارد

فیفا در نامه‌های خود به ویژه نامه دوم خود به فدراسیون تأکید کرده ایران استانداردهای جهانی را رعایت نکرده و به همین ترتیب اساسنامه فوتبال ما اعتبار قانونی ندارد. در نامه آمده است: «ما احتراما یک بار دیگر توجه شما را به این واقعیت معطوف می‌کنیم که فدراسیون‌های عضو فیفا مکلف به تصویب اساسنامه‌ای هستند که در راستای مقررات اساسنامه استاندارد فیفا باشد و مفاد مندرج در بند ۱۵ اساسنامه فیفا در آن رعایت شده باشد. اساسنامه کنونی فدراسیون ایران اما مطابق با این مقررات نیست» در واقع همین ایرادات اساسنامه‌ای است که فیفا تأکید کرده انتخابات باید لغو و در سریع‌ترین زمان ممکن اساسنامه جدید به تصویب برسد. آنها همچنین با اشاره به نامه‌نگاری‌های اخیر فدراسیون تأکید کرده‌اند در نسخه فارسی و انگلیسی که برای آنها ارسال شده مغایرت‌هایی وجود دارد که باید درباره آن اطلاع‌رسانی دقیق انجام شود. این یکی از بزرگ‌ترین ابهاماتی است که فوتبال ایران و نهادهای نظارتی باید به دنبال جواب سؤال آن باشند که منظور فیفا از مغایرت متن انگلیسی و فارسی اساسنامه چیست. فیفا در واقع فقط به صورت مستقیم ایران را متهم به دروغگویی نکرده است و اثبات تخلف درباره تفاوت اساسنامه و گول زدن فیفا می‌تواند تبعات و مجازات‌های بین‌المللی سخت برای مدیران فوتبال ایران به همراه داشته باشد.

یک اعتراف وحشتناک

درباره غیرقانونی قلمداد کردن اساسنامه فدراسیون فوتبال بالاخره پس از سال‌ها شاهد اعتراف تلخ یک مقام مسئول در فدراسیون فوتبال هم بودیم. از سال ۱۳۹۰ تا همین چند روز قبل علی کفاشیان و بسیاری دیگر از مدیران فدراسیون هیچ‌وقت حاضر نمی‌شدند درباره تأیید شدن اساسنامه در فیفا اظهارنظر شفافی داشته باشند. همیشه هم از انتشار اساسنامه در سایت فدراسیون خودداری کرده‌اند. هر وقت هم از آنها سؤال می‌شد تأکید کرده‌اند اساسنامه را برای فیفا فرستاده‌اند و چون ایرادی گرفته نشده یعنی مورد تأیید قرار گرفته است. محمدرضا ساکت در مناظره خود با علی کریمی در برنامه نود عین این عبارت‌ها را درباره تأییدیه فیفا روی اساسنامه به کار برد. حالا اما با انتشار نامه‌های فیفا به فدراسیون وقتی رسانه‌ها به صورت جدی دارند قضایا را بررسی می‌کنند، حمیرا اسدی مسئول دپارتمان بین‌الملل فدراسیون فوتبال رسماً گفته است: «در حال حاضر این موضوع در فدراسیون فوتبال در دست بررسی و اقدام است تا مشخص شود اساسنامه انگلیسی مورد نظر فیفا و یا AFC کدام نسخه اساسنامه است و از طریق چه کسی و یا چه کسانی و در چه دوره زمانی و چگونه برای فیفا یا AFC ارسال شده است. پس از درخواست AFC برای ارسال اساسنامه به دلیل کمبود زمان، اساساً نسخه انگلیسی اساسنامه فعلی برای AFC و یا فیفا ارسال نشده است.» پس فوتبال ایران از سال ۱۳۹۰ تا به امروز با اساسنامه‌ای فعالیت کرده که تأییدیه فیفا و AFC و البته هیأت دولت را نداشته و به همین دلیل غیر قانونی فعالیت کرده است پس مشخص می‌شود فیفا همچنان نسخه قدیمی اساسنامه ایران را به رسمیت می‌شناسد. اساسنامه‌ای که پس از تعلیق فدراسیون ایران در سال ۲۰۰۶ توسط کمیته انتقالی نوشته شد و به تأیید فیفا رسید. در صورتی که فیفا و AFC نسخه فارسی اساسنامه ۴ دی‌ماه ۱۳۹۰ را با نسخه انگلیسی اساسنامه دوره انتقالی (سال ۸۶) مقایسه کرده باشند، این نشان می‌دهد اساسنامه فعلی فدراسیون فوتبال غیر قانونی بوده و به مدت ۸ سال با اساسنامه‌ای غیر قانونی فعالیت کرده و انتخاب مجدد کفاشیان و سپس مهدی تاج به عنوان رئیس فدراسیون فوتبال ایران غیر قانونی بوده است. موضوعی که انتظار می‌رود نهادهای نظارتی به آن ورود کنند. هر مدیری که درباره اساسنامه به مردم و جامعه فوتبال حقیقت را نگفته باشد باید مجازات شود چون اعتبار ایران را زیر سؤال برده و فوتبال را در آستانه تعلیق قرار داده است.

ایراد فیفا به سیستم برگزاری انتخابات

فیفا علاوه بر اینکه اساسنامه فوتبال ایران را قبول ندارد، تأکید کرده انتخابات هم به خاطر نداشتن یک آیین‌نامه اجرایی مشخص و قانونی که باعث سود رسیدن به یک جریان نشود لغو شود. البته فدراسیون در نامه‌ای رسمی به فیفا اعلام کرد برای انتخابات آیین‌نامه مشخصی دارد و علاوه بر ستاد برگزاری کمیته بدوی و استیناف هم در ساختار اجرایی موجود است. مدیران فدراسیون البته این آیین‌نامه که فیفا در نامه و قوانین خود از آن به عنوان کد انتخاباتی نام می‌برد همراه نامه پیوست کرده است. در جواب فدراسیون جهانی اما آمده است: «مایلیم به این موضوع هم اشاره کنیم که سند مرتبط با فرآیند انتخاباتی که شما به مکاتبات فوق‌الذکر پیوست کرده‌اید، نشان‌دهنده وجود یک کمیته انتخابات مستقل که توسط نهاد مشروع فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران تصویب شده باشد، نیست. علاوه بر آن مقرراتی که در خود انتخابات می‌بایست رعایت شود نیز در آن تنظیم نشده است، بلکه در درجه اول به موضوعاتی مربوط به صلاحیت کاندیداها و اعلام کاندیداتوری ارتباط دارد.»

فیفا البته در نامه اول خود هم درباره آیین‌نامه انتخاباتی آورده بود: «علاوه بر این، ما به شدت توصیه می‌کنیم که فدراسیون‌های عضو فیفا برای پیش‌بردن روند انتخاباتی آزاد و عادلانه، آیین‌نامه اجرایی انتخابات را تصویب کنند و کمیته بدوی انتخابات و کمیته استیناف انتخابات که توسط مجمع عمومی فدراسیون انتخاب و یا تأیید شده است به کار بگیرد. در نهایت، موضع فیفا و ای‌اف‌سی این است که مجمع عمومی انتخابات فدراسیون که قرار است در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۲۰ در تهران برگزار شود باید به تعویق بیفتد. تا زمانی که این فدراسیون بتواند پیش‌نویس اساسنامه و آیین‌نامه اجرایی انتخابات را نهایی و به تأیید مجمع فدراسیون فوتبال برساند. متعاقباً مجمع عمومی فدراسیون فوتبال ایران اعضای هر دو کمیته انتخابات (بدوی و استیناف) را انتخاب می‌کند و فرآیند انتخاب کمیته اجرایی جدید این فدراسیون بر اساس آیین‌نامه جدید پذیرفته شده صورت می‌گیرد؛ به‌طوری که آزاد و عادلانه بودن انتخابات را تضمین نماید.»

منافع آشکار تیم مدیریت اجرایی از برگزاری انتخابات

فیفا با این نامه‌ها مشخص کرد که تمام اتفاقات فوتبال ایران را زیر نظر دارد و روی مورد درستی هم دست گذاشته است. اول اینکه آیین‌نامه اجرایی که برای فیفا در پیوست نامه فدراسیون ارسال شده در مجمع فدراسیون به تصویب نرسیده و در بندهای اساسنامه هم جایی ندارد. همچنین فیفا می‌گوید این آیین‌نامه و اعضای کمیته‌های برگزاری انتخابات باید توسط مجمع مشخص شوند نه رئیس و هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال که خودشان در انتخابات ذینفع هستند. در واقع به همین دلیل است که فیفا تأکید دارد انتخابات آزادانه و عادلانه نیست چون تمام اعضای کمیته بدوی و استیناف که انتخابات را برگزار می‌کنند منصوب مقامات اجرایی کنونی فدراسیون که در انتخابات حضور دارند هستند. پس قطعاً تحت هر شرایطی فیفا برگزاری انتخابات با این مکانیزم را نه تنها قبول ندارد و افراد منتخب را تأیید نمی‌کند، بلکه ممکن است انجام این کار باعث تعلیق فوتبال ایران شود که البته خبر لغو انتخابات به زودی اعلام خواهد شد.

دولتی‌ها باید حذف شوند و مجمع استقلال داشته باشد

فدراسیون جهانی فوتبال در هر دو نامه اخیر خود به ایران و مکاتبات و جلساتی که از ماه آگوست ۲۰۱۹ میلادی انجام شد اعلام کرده وزیر ورزش و معاون ورزش قهرمانی نباید در مجمع حق رأی داشته باشند و استقلال فدراسیون باید حفظ شود و اشخاص ثالث و دولت نباید در مکانیزم اجرایی و انتخاباتی فوتبال ایران نقش داشته باشند (مانند نماینده وزارت علوم و ...). با وجود ارائه توضیحات گوناگون درباره این موضوع و تأکید فیفا به رعایت قوانین اساسنامه جهانی فوتبال و منشور المپیک، ایران هنوز این مورد را رعایت نکرده است. پس فیفا تشکیلات و انتخاباتی که نماینده دولت در آن دخالت مستقیم داشته باشد را قبول نخواهد کرد و در اساسنامه جدید باید شرایط به سمتی برود که افراد دولتی از عضویت مجمع حذف شوند. فیفا به صراحت به ایران اعلام کرده از این مسأله کوتاه نخواهد آمد. البته با توجه به ساختار دولتی فوتبال ایران انجام این خواسته فیفا واقعاً کار پرحاشیه و سختی خواهد بود و ممکن است با مخالفت وزارت ورزش و دولت و نهادهای دیگر همراه شود.

چندماه پنهان‌کاری مشکوک درباره اصلاح اساسنامه

فرآیند اصلاح اساسنامه فوتبال ایران از خردادماه امسال توسط کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا کلید خورد و نمایندگان این دو نهاد بین‌المللی به ایران سفر کردند و اساسنامه جدیدی برای فدراسیون نوشتند. پس از بررسی قوانین و نوشتن اساسنامه جدید، فیفا از ایران می‌خواهد که در سریع‌ترین زمان ممکن اساسنامه جدید را به تصویب مجمع عمومی و هیأت دولت برساند. منتهی در اتفاقی حیرت‌انگیز مدیران فدراسیون فوتبال این مسأله بسیار مهم را از جامعه فوتبال پنهان کردند و درباره آن اطلاع‌رسانی نشد. جالب اینجاست که بعد از تدوین اساسنامه جدید هم فیفا در پنج نوبت برای ایران نامه ارسال کرد و خواهان شفاف‌سازی درباره سرنوشت اساسنامه شد که در اتفاقی عجیب ایران جوابی به نامه‌های فیفا نداد. کار به جایی رسید که در نامه ششم و تهدیدآمیز که فیفا برای فدراسیون ارسال کرد به بی پاسخ ماندن نامه‌های قبلی و سرنوشت نامعلوم فرآیند انجام شده اصلاح اساسنامه آمده بود: «فدراسیون فوتبال به فیفا و افای‌سی اطلاع داد برای به پایان رساندن و جمع‌بندی پیش‌نویس به زمان بیشتری نیاز دارد اما بعد از چندین تذکر و یادآوری (در تاریخ ۷ و ۱۸ اکتبر، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ و ۱۶ ژانویه ۲۰۲۰) این فدراسیون موفق به ارائه بازخورد درباره پیش‌نویس‌ها نشد و اعلام کرد که تأییدیه و تصویب می‌بایست بعد از مجمع عمومی انتخابات فدراسیون فوتبال ایران انجام شود.»

در نامه بعدی فیفا هم به صراحت اشاره شده: «علیرغم آنکه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران، پیش‌نویس اساسنامه را بازنگری کرده است و آئین‌نامه اجرایی مورد تأیید فیفا را از آگوست ۲۰۱۹ در اختیار دارد، این فدراسیون اقدامات لازم و قانونی را به منظور تصویب اساسنامه اصلاح شده نهایی فراهم نکرده است.» فیفا در واقع می‌گوید وقتی پیش‌نویس اساسنامه جدید را به صورت مشترک تهیه کردیم، چرا دوباره به آنها اطلاع داده‌اند که می‌خواهند انتخابات را با سیستم قدیمی و غیر قابل قبول برگزار کنند و به مکانیزم اصلاح اساسنامه که مورد تأیید فیفا بود بی‌توجهی کرده‌اند؟

حالا جدا از داستان انتخابات و اساسنامه، مدیریت فوتبال ایران بدون مصلحت‌اندیشی باید به جامعه فوتبال احترام گذاشته و بگوید چرا تا این حد پنهان‌کاری داشت. چرا اخبار مربوط به اصلاح اساسنامه زیر نظر فیفا را اطلاع‌رسانی نکرد و اصلا چرا در ۵ ماه جواب نامه‌های فیفا را نداد. آیا مدیریت فدراسیون که پیش‌بینی استعفای ناگهانی به خاطر بیماری قلبی تاج را نمی‌کرد در نظر داشت با گرفتن زمان تصویب اساسنامه جدید را به بعد از انتخابات و مسجل شدن یک دوره مدیریتی ۴ ساله دیگر موکول کند؟ آیا دلیل اراده محکم برای رسانه‌ای نشدن این فعل و انفعالات درباره اساسنامه کشاندن بازی به وقت اضافه و موفقیت در انتخابات فدراسیون با همین اساسنامه قبلی که شانس مدیریت فعلی را زیاد می‌کند، بود؟

مهم‌ترین اصلاحات مدنظر فیفا

فیفا همواره به فدراسیون‌های عضو تأکید می‌کند که اساسنامه خود را بروزرسانی کنند اما اساسنامه فوتبال ما نه تنها بروزرسانی نشده، بلکه از سال ۹۰ تأییدیه فیفا را هم بعد از انجام تغییرات ندارد و برای اصلاحات روی اساسنامه و نوشتن اساسنامه جدید نیز این اتفاقات حیرت‌انگیز و جنجالی رخ داده است. گفته می‌شود نمایندگان فیفا برای اساسنامه جدید روی چند بند ایراد اساسی گرفته‌اند. درباره آئین‌نامه اجرایی انتخابات و عضویت وزیر ورزش و معاونش و ترکیب مجمع که اشاره لازم انجام شد. فیفا انتقاد کرده که چرا در سال‌های اخیر چهره‌های مطرح فوتبال ایران در هیأت‌رئیسه جایی نداشته‌اند. آنها تأکید کرده‌اند رؤسای ارکان قضایی فدراسیون فوتبال (رئیس کمیته انضباطی، استیناف و اخلاق) باید استقلال داشته باشند و توسط مجمع انتخاب شوند اما این نفرات توسط رئیس فدراسیون و با تصویب در هیأت‌رئیسه در این سال‌ها کار کرده‌اند و به همین دلیل به تخلفات و ابهامات مدیریتی فدراسیون توسط ارکان قضایی خود فوتبال به درستی رسیدگی صورت نگرفته است. فیفا همچنین تأکید دارد ساختار مجمع عمومی باید فوتبالی‌تر باشد و اساسنامه جدید به شکلی باشد که اختیارات رئیس فدراسیون کمتر شود. در واقع فیفا مخالف معرفی سه نایب رئیس فدراسیون توسط رئیس در انتخابات است و می‌گوید تمام اعضا باید اجازه داشته باشند برای کرسی‌های هیأت‌رئیسه ثبت‌نام کنند. تأکید اصلی فیفا هم به گنجانده شدن بند تدوین اساسنامه منطبق بر قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران است که اگر این اتفاق رخ بدهد عملاً مدیران فدراسیون باید به خاطر بازنشستگی از سمت خود استعفا بدهند و به نظر می‌رسد یکی از دلایل تصویب نشدن اساسنامه جدید و موکول کردن آن به آینده هم همین مسأله بود. در این رابطه باید بدانید که اساسنامه فیفا هم منطبق بر قوانین کشور سوئیس تنظیم شده است. البته وقتی با مدیران فدراسیون فوتبال در این رابطه صحبت می‌کنید وجود چنین بندی در اساسنامه جدید را تکذیب می‌کنند و می‌گویند فیفا بیشتر تأکید دارد دولت و نمایندگانش در تشکیلات فوتبال دخالتی نداشته باشند.

حیدر بهاروند سرپرست فدراسیون فوتبال در آخرین مصاحبه خود تأکید کرده: «اساسنامه سال ۱۳۹۰ فدراسیون فوتبال بیش از یک سال است که منتظر تأیید هیأت دولت است. اگر این اساسنامه تصویب شده بود الان فیفا اینقدر سختگیری نمی‌کرد و انتخابات قطعاً با همین اساسنامه برگزار می‌شد. در حال حاضر اگر اساسنامه اصلاح شود، باز هم نیاز به تأیید در هیأت محترم وزیران است.»

نکته قابل تأمل درباره اساسنامه سال ۹۰ این است که الان موضوع تصویب آن در هیأت دولت هیچ ارتباطی به شرایط حساس فعلی فوتبال کشور و حساسیت‌های فیفا ندارد. تصویب اساسنامه در هیأت دولت البته مربوط به قوانین و مسائل داخلی کشور است. برای فیفا اساسنامه‌ای که خودش پیش‌نویس آن را تأیید کرده باشد و جزئیات آن به تصویب مجمع عمومی فدراسیون برسد اهمیت دارد اما همین اساسنامه ۱۳۹۰ اصلاً تأییدیه فیفا را ندارد و مطرح کردن بحث تأیید نشدن آن در هیأت دولت یک کد غلط به جامعه فوتبال به حساب می‌آید. در واقع باید گفت اگر این اساسنامه تأییدیه هیأت دولت را هم داشت باز هم فیفا با برگزاری انتخابات به دلایلی که به آن اشاره شد موافقت نمی‌کرد. ضمن اینکه مسأله مهم‌تر چرایی نگرفتن تأییدیه فیفا و سکوت مسئولان فوتبال از سال ۱۳۹۰ تا به امروز درباره اساسنامه است.

جنگ و بحران در راه است...

فوتبال ایران در آستانه اتفاقاتی حیرت‌انگیز قرار دارد. موضوع اساسنامه و انتخابات یک بخش قضیه است. موضوع بعدی چگونگی حذف وزیر ورزش از مجمع عمومی در اساسنامه جدید، چگونگی انجام این کار و از همه مهم‌تر اجرای قانون بازنشستگی در فوتبال کشور است. مسئولان فدراسیون باز هم به صراحت اعلام کرده‌اند عضویت هیأت‌رئیسه شغل به حساب نمی‌آید و هیچ محدودیتی برای فعالیت افراد بازنشسته در پست نایب رئیسی یا عضویت هیأت رئیسه وجود ندارد و حیدر بهاروند تأکید کرده رأی دیوان محاسبات و سازمان بازرسی را درباره این موضوع در اختیار دارد. البته این صحبت‌ها مغایر با اظهارات مسئولان سازمان بازرسی و دیوان محاسبات در هفته‌های اخیر است و آنها تأکید دارند افراد بازنشسته اجاره فعالیت در فدراسیون را ندارند. به این ترتیب باید هرچه سریع‌تر تکلیف پرونده بازنشستگی هم حل شود چون اگر این قانون اجرا شود، بعد از رفتن مهدی تاج و علی کفاشیان و محمود شیعی از هیأت‌رئیسه نفراتی چون حیدر بهاروند، فریدون اصفهانیان، محمود اسلامیان و عبدالکاظم طالقانی هم از هیأت رئیسه کنار خواهند رفت و هدایت ممبینی و لیلا صوفی‌زاده در هیأت رئیسه باقی می‌مانند. به این ترتیب هیأت رئیسه از اکثریت قانونی خواهد افتاد و آن‌وقت باید دید چه بر سر مدیریت فوتبال کشور تا زمان اصلاح اساسنامه خواهد رفت. البته در این رابطه هم مدیران فدراسیون تأکید دارند به هیچ عنوان بازنشستگی تأثیری در کارشان ندارد و به کارشان ادامه می‌دهند. با این حال باید منتظر ماند و دید آیا کار به تشکیل یک کمیته انتقالی خواهد کشید؟ چون در شرایط کنونی حیدر بهاروند و مدیران فدراسیون به هیچ عنوان زیر بار انتخاب مدیران سفارشی برای کرسی‌های خالی هیأت‌رئیسه هم نرفته‌اند و جنگ بزرگی در پشت پرده برای این پرونده وجود دارد. به عبارتی ساده‌تر هر گروه و جریانی ساز خود را می‌زند و هیچ خبری از ائتلاف ملی برای حل مشکلات فوتبال نیست.

مقام اجرایی فوتبال: اگر اساسنامه تصویب می‌شد، مقابل وزارت و دولت قرار می‌گرفتیم

یکی از مدیران با نفوذ تأثیرگذار فدراسیون فوتبال در صحبت‌هایی که روز گذشته با ایران ورزشی داشت به نکات مهمی درباره ابهامات به وجود آمده اشاره کرد. روایت این مدیر درباره نامه‌های فیفا این است: «دلیل اینکه درباره نامه‌های فیفا شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی نشد، در نظر گرفتن شأن و مقام وزیر ورزش و وزارت ورزش و دولت بود. اگر از همان خرداد تا شهریور موضوع اصلاح اساسنامه با نظر فیفا انجام می‌شد، با توجه به اینکه مهدی تاج هنوز در رأس کار بود و ۸ ماه به زمان انتخابات باقی بود، آن‌وقت دولت و وزارت ورزش فکر می‌کردند که تیم مدیریتی فعلی فدراسیون به دنبال حذف آنها از مجمع فوتبال است. به همین دلیل مذاکرات با فیفا را طول دادیم. همین اتفاق باعث شد اساسنامه سال ۹۰ هم در هیأت دولت به تصویب نرسد و کار ما سخت‌تر شود. با این حال الان هم فیفا از مواضع خود کوتاه نمی‌آید و ما باید انتخابات را لغو کنیم و سپس با برگزاری مجمع عمومی پیش‌نویس اساسنامه مدنظر فیفا را به تأیید مجمع برسانیم. در غیر این صورت کسی نمی‌داند واکنش تند بعدی فدراسیون جهانی چه خواهد بود.»

اخبار

حکم شفر هم آمد؛ ۵۵۰ هزار دلار!

شکایت‌های سرمربیان و بازیکنان سابق خارجی که طی سالیان اخیر در باشگاه‌های ایرانی عضویت داشتند، یکی یکی از راه می‌رسد و امروز حکم فیفا درباره پرونده شکایت وینفرد شفر از استقلال تهران صادر شد و دراختیار مسؤولان این تیم قرار گرفت. در روزهای قبل رای پرونده شکایت‌های جپاروف و گادوین منشا از استقلال، به طور رسمی به این باشگاه رسیده بود که امروز هم سومین شکایت از آبی‌ها دراختیار علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل این باشگاه قرار گرفت تا مشکلات مالی او را در شروع کارش بیشتر کند. وینفرد شفر که بعد از جدایی پُر سر و صدا از استقلال و حواشی زیادی که بعد از آن به وجود آمد، تصمیم به شکایت از این باشگاه گرفت، حالا حکم فیفا را به سود خود می‌بیند و در انتظار پرداخت مطالبات‌اش از سوی آبی‌ها است که البته اگر این اتفاق نیفتد، جرایم سنگین‌تری برای استقلال صادر خواهد شد.

همانطور که انتظار می‌رفت و گفته شده بود، جریمه ۵۵۰ هزار دلاری در پی شکایت وینفرد شفر از استقلال توسط فیفا صادر شد و حالا باشگاه ایرانی دو هفته فرصت دارد تا این مبلغ را پرداخت یا به فیفا اعتراض کند. البته برنامه علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل باشگاه استقلال این است تا طی گفت‌وگو با وینفرد شفر و در فضایی دوستانه از او مهلت بگیرد تا به مرور زمان مطالبات‌اش را پرداخت و به نوعی او را برای دریافت یکجا مبلغ قراردادش منصرف کند. تا به امروز فیفا سه رای قطعی علیه استقلال و به سود جپاروف، منشا و شفر داده ولی پیش‌بینی می‌شود این احکام سنگین همچنان ادامه داشته باشد و شکایات نفراتی مثل آندرآ استراماچونی، ساشا شفر، باشگاه پاختاکور (برای رضایت‌نامه ایسما) و ... از راه برسد و باشگاه ایرانی را با مشکلات و چالش‌های بیشتری مواجه کند.

با اعلام رسمی فیفا؛

دیدارهای تیم ملی فوتبال ایران در انتخابی جام جهانی به تعویق افتاد

با اعلام رسمی فیفا تمام مسابقات انتخابی جام جهانی فوتبال در قاره آسیا به خاطر ویروس کرونا به تعویق افتاد.

سایت فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) بعد از جلساتی مختلفی که با کنفدراسیون فوتبال آسیا داشت و جمع آوری کشورهای مختلف آسیایی سرانجام اعلام کرد که مسابقات انت